

# مکاشفه عیسی مسیح - شماره چهارده

مهر هفتم

Jeff Pippenger

2023-11-11

نبرد دوران مهلت فرشتگان که با لوسیفر در آسمان سوم آغاز شد و در مکاشفه باب دوازده به تصویر کشیده شده، نمونه‌ای از نبرد دوران مهلت انسان‌ها و فرشتگان است که در آسمان اول پایان می‌یابد. وقتی شیطان و فرشتگانش از آسمان سوم بیرون افکنده شدند، شیطان در باغ عدن جبهه نبرد تازه‌ای گشود. همان‌گونه که در نبرد آسمان سوم با لوسیفر، خدا دوره‌ای از مهلت مقرر کرد، برای بشریت نیز دوره‌ای از مهلت برقرار نمود. نبرد در آسمان اول که با قانون یکشنبه قریب‌الوقوع به‌طور جدی آغاز می‌شود، نمایانگر پایان دوران مهلت برای بشریت است.

در فصل‌های دوازدهم و سیزدهم مکاشفه، اژدها، وحش و پیامبر دروغین به تصویر کشیده شده‌اند. معمولاً چنین پنداشته می‌شود که این سه قدرت عمدتاً نمایانگر تاریخ گذشته خود هستند، اما به یوحنا گفته شده بود «آنچه خواهد شد» را بنویسد، و سراسر کتاب مکاشفه از «ایام آخر» سخن می‌گوید؛ بنابراین ما از اصل کتاب مقدسی اینکه پایان با آغاز تصویر می‌شود بهره می‌گیریم و نمادهای مکاشفه را به‌عنوان حقیقت کنونی، نه گذشته، به کار می‌بریم.

شیطان، هم در جنگی که در آسمان سوم آغاز کرد و هم در نخستین نبردی که در باغ عدن برای انسان‌ها به راه انداخت، به‌عنوان کسی شناخته شده است که برای انتقال پیام‌های فاسدش از «هیپنوتیزم» بهره می‌گیرد تا جنگ خود را پیش ببرد.

شیطان آدم نخستین را در عدن وسوسه کرد، و آدم با دشمن به استدلال پرداخت و بدین‌سان دست بالا را به او داد. شیطان قدرت هیپنوتیزم خود را بر آدم و حوا اعمال کرد و کوشید همین قدرت را بر مسیح نیز اعمال کند. اما پس از آنکه کلام کتاب مقدس نقل شد، شیطان دانست که هیچ شانس برای پیروزی ندارد.

مردان و زنان نباید به مطالعه علمی بپردازند که چگونگی به اسارت درآوردن ذهن کسانی را که با آنان معاشرت دارند می‌آموزد. این همان علمی است که شیطان تعلیم می‌دهد. ما باید در برابر هر چیز از این دست مقاومت کنیم. ما نباید به مسمریسم و هیپنوتیزم - علم آن که مقام نخستین خود را از دست داد و از بارگاه‌های آسمانی رانده شد - بپردازیم. ذهن، منش و شخصیت، ۷۱۳.

«دانشی که شیطان می‌آموزد» به‌دست بازرگانان جهانی‌گرا به کمال رسانده شده و در «روزهای آخر» از طریق «ابریزگرهای اطلاعاتی» اجرا می‌شود. شیطان پدر دروغ است و غول‌های رسانه‌ای نه‌تنها ناراستی‌ها را ترویج می‌کنند، بلکه حقیقت را نیز سانسور می‌کنند، کسانی را که به‌گمان خود «بدعت‌گذار» می‌شمارند ردیابی می‌کنند، و پیچیده‌ترین شکل هیپنوتیزم را که تاکنون در تاریخ سیاره زمین به کار رفته، به کار می‌گیرند. جنگی که در آسمان سوم آغاز شد، بر این ویژگی از جنگ‌افروزی شیطان تأکید می‌کند تا مؤمنانی که هنگام آغاز جنگ آسمان اول زنده‌اند، با پیش‌آگاهی از پیش هشدار داده شوند. هنگامی که درمی‌یابیم مرکز کنترل شبکه جهانی وب و «ابریزگرهای اطلاعاتی» در ایالات متحده مدیریت و کنترل می‌شود، بهتر درمی‌یابیم معنای این‌که ایالات متحده آتش را از آسمان فرود می‌آورد و تمام جهان را می‌فریبد چیست. «آتش» در کتاب مکاشفه نمایانگر یک پیام است.

نمادپردازی مکاشفه یوحنا فصل سیزدهم، آیه سیزدهم از نبرد کوه کرمل گرفته شده است؛ جایی که پیامبران بعل و پیامبران اشیره نتوانستند آتش را از آسمان فرود آورند تا تأیید کنند که بعل و

عشتاروت خدایان حقیقی‌اند. بعل که خدایی مذکر است و عشتاروت که خدایی مؤنث است، تمثال وحش را نمایندگی می‌کنند، یعنی ترکیب نامقدس کلیسا و دولت. آن پیامبران، پیامبران ایزابل بودند که با آخاب پیوندی نامقدس داشت. آن دو شاهد نبوی تمثال وحش در داستان کوه کرمل، نقش ایالات متحده را چنین مشخص می‌کنند که نخست در ایالات متحده تصویری از دستگاه پاپی برپا می‌کند و سپس در سراسر جهان. «آتش» در کرمل قرار بود گواه این باشد که خدای حقیقی واقعاً کیست. این آتش نمایانگر مکاشفه‌ای از آسمان بود که خدای حقیقی را معرفی می‌کرد، و همین مسئله وقتی نیز مطرح است که ایالات متحده آتش را از آسمان فرود می‌آورد.

در کتاب اشعیا، خدایی که انجام را از ابتدا خبر می‌دهد، به همان صحنه کوه کرمل قدیم و نیز به زمینه نبوتی که وقتی ایالات متحده آتش را از آسمان فرود می‌آورد آشکار می‌شود، می‌پردازد.

خداوند می‌گوید: دعوی خود را اقامه کنید؛ پادشاه یعقوب می‌گوید: دلایل محکم خود را بیاورید. بگذار بیاورند و به ما نشان دهند چه خواهد شد؛ بگذارند امور پیشین را، آنچه بوده‌اند، نشان دهند تا در آن‌ها تأمل کنیم و فرجامشان را بدانیم؛ یا چیزهای آینده را برای ما اعلام کنند. آنچه پس از این خواهد آمد نشان دهید تا بدانیم که شما خدایانید؛ آری، نیکی کنید یا بدی، تا مبهوت شویم و با هم آن را ببینیم. اینک، شما هیچید و کارتان پوچ؛ نفرت‌انگیز است هر که شما را برگزیند. من کسی را از شمال برانگیخته‌ام و او خواهد آمد؛ از مشرق آفتاب نام مرا خواهد خواند؛ و بر امیران چنان خواهد تاخت که بر ملاط می‌تازند، و همچون کوزه‌گر که گل را پایمال می‌کند. کیست که از آغاز اعلام کرده باشد تا بدانیم؟ و از پیش، تا بگوییم؛ او راست گفته است؟ آری، هیچ‌کس نیست که نشان دهد؛ آری، هیچ‌کس نیست که اعلام کند؛ آری، کسی نیست که سخنان شما را بشنود. نخستین کس به صهیون خواهد گفت: اینک، اینک ایشان را؛ و به اورشلیم بشارت‌دهنده‌ای خواهم داد. اشعیا ۴۱:۲۷-۳۱

در جنگ آسمان اول که با قانون روز یکشنبه‌ای که به زودی فرا می‌رسد آغاز می‌شود، به ایالات متحده، و نیز خود شیطان، اجازه داده خواهد شد که «دعوی» خود را «ارائه» کنند، و آنان برای اثبات اینکه خدای ایزابل خدای حقیقی است، آتش را از آسمان فرود خواهند آورد. جهان وادار خواهد شد نشان روز عبادت آن خدا را بپذیرد. آن آتشی که از آسمان، از طریق «بزرگراه اطلاعاتی» به تمام بشریت آورده می‌شود، کاری «بیهوده» است، و هر که پیام منتقل شده از آن رسانه را برگزیند، «منفور» است.

در آن نبرد، صد و چهل و چهار هزار نفر، و پس از آن جمعیت عظیم، گواهان خدا در بحث درباره اینک خدای حقیقی کیست خواهند بود. پیام‌هایی که از هر دو سوی جنگ منتقل می‌شوند به صورت "آتش" نمایش داده می‌شوند. همه ملت‌ها گرد خواهند آمد تا تعیین کنند که خدای حقیقی کیست، و دو دسته شاهد برای اثبات "حقیقت" خواهند بود.

همه امت‌ها گرد هم آیند و قوم‌ها جمع شوند: کیست در میان ایشان که این را اعلام کند و چیزهای پیشین را به ما نشان دهد؟ بگذارند گواهان خود را بیاورند تا مبرا شوند؛ یا بشنوند و بگویند: راست است. خداوند می‌گوید: شما گواهان من هستید، و بنده من که او را برگزیده‌ام، تا بدانید و به من ایمان آورید و دریابید که من همانم؛ پیش از من خدایی پدید نشد و پس از من نیز نخواهد شد. من، آری من، خداوندم؛ و جز من نجات‌دهنده‌ای نیست. من اعلام کردم و نجات دادم و نشان دادم، آنگاه که خدای بیگانه‌ای در میان شما نبود؛ پس شما گواهان من هستید، می‌گوید خداوند، که من خدا هستم. اشعیا ۴۳:۹-۱۲.

ظهور نهایی کوه کرمل شاهدانی برای شیطان و شاهدانی برای خدا دارد. این نمایش برای اثبات این است که خدای حقیقی کیست، اما شاهدان وفادار خدا باید به چه چیزی شهادت بدهند؟

چنین می‌گوید خداوند، پادشاه اسرائیل، و فادی او، خداوند لشکرها: من اولینم و من آخرین؛ و جز من خدایی نیست. و کیست چون من که بخواند و آن را اعلام کند و برای من آن را مرتب سازد، از زمانی که قوم باستان را مقرر داشتیم؟ و آنچه در راه است و آنچه خواهد آمد، بگذار به ایشان نشان دهند. مترسید و هراسان نشوید: آیا از آن زمان به شما نگفته و اعلام نکرده‌ام؟ شما خود شاهدان من هستید. آیا خدایی جز من هست؟ به راستی خدایی نیست؛ من هیچ خدایی را نمی‌شناسم. آنان که بت تراشیده می‌سازند، همه باطل‌اند؛ و نفایس ایشان سودی نخواهد بخشید؛ آنان خود شاهدان خویش‌اند؛ نمی‌بینند و نمی‌دانند تا شرمسار شوند. اشعیا ۴۴:۶-۹.

در رویارویی نهایی کوه کرمل، مؤمنان باید به این حقیقت شهادت دهند که خدا اول و آخر است. او خدایی است که «قوم باستان» را مقرر کرد تا «آنچه در راه است» را معین کند. شاهدان خدا باید مکاشفه عیسی مسیح را که درست پیش از نبرد نهایی کوه کرمل مهرش گشوده می‌شود ارائه کنند.

پیام کوه کرمل شیطان به صورت آتشی که از آسمان فرود می‌آید نشان داده می‌شود.

و او کارهای شگفت‌انگیز بزرگی می‌کند، به‌گونه‌ای که در برابر دیدگان مردم، آتش را از آسمان بر زمین فرود می‌آورد، مکاشفه ۱۳:۱۳.

این آیه معجزاتی را توصیف می‌کند که ایالات متحده از طریق علم نوین هیپنوتیزم انجام می‌دهد؛ علمی که از طریق «ابر شاهراه اطلاعات» به بشریت منتقل می‌شود. اما آیه همچنین به ظهور خود شیطان اشاره دارد، وقتی که او در نقش مسیح ظاهر می‌شود.

آن فرشته‌ای که در اعلام پیام فرشته سوم هم‌صدا می‌شود، باید سراسر زمین را با جلال خود روشن سازد. در اینجا از کاری با دامنه‌ای جهانی و قدرتی بی‌سابقه پیشگویی شده است. جنبش ظهور سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ جلوه‌ای باشکوه از قدرت خدا بود؛ پیام فرشته نخست به هر ایستگاه میسیونری در جهان رسانده شد، و در برخی کشورها بزرگ‌ترین علاقه و شور دینی پدید آمد که از زمان اصلاح دینی قرن شانزدهم در هیچ سرزمینی دیده نشده بود؛ اما اینها نیز با جنبش نیرومندی که تحت آخرین هشدار فرشته سوم برخواهد خاست، پشت سر گذاشته خواهد شد.

این کار همانند کار روز پنتیکاست خواهد بود. چنان‌که "باران پیشین" در ریزش روح‌القدس در آغاز انجیل عطا شد تا بذر گرانبها بروید، همان‌گونه "باران پسین" نیز در پایان آن داده خواهد شد تا خرمن برسد. "آنگاه خواهیم شناخت، اگر در پی شناخت خداوند باشیم؛ برآمدن او همچون صبح مهیا است؛ و نزد ما خواهد آمد چون باران، همچون باران پسین و پیشین بر زمین." هوشع ۶:۳. "پس شاد باشید، ای فرزندان صهیون، و در خداوند خدای خود شادی کنید؛ زیرا برای شما باران پیشین را به موقع عطا کرده است، و برای شما باران را فرو خواهد فرستاد، باران پیشین و باران پسین." یوئیل ۲:۲۳. "در روزهای آخر، خدا می‌گوید: از روح خود بر همه بشر خواهم ریخت." و چنین خواهد شد که هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت." اعمال رسولان ۲:۱۷، ۲۱.

کار عظیم انجیل قرار نیست با تجلی‌ای از قدرت خدا کمتر از آنچه آغاز آن را متمایز کرد، به پایان برسد. نبوت‌هایی که در ریزش باران پیشین در آغاز انجیل تحقق یافت، بار دیگر در باران پسین در پایان آن تحقق خواهد یافت. این همان «ایام فرونشانی» است که رسول پطرس چشم‌انتظارش بود، آنگاه که گفت: «پس توبه کنید و بازگشت نمایید تا گناهان شما محو گردد، وقتی ایام فرونشانی از حضور خداوند برسد؛ و او عیسی را خواهد فرستاد.» اعمال رسولان ۳:۱۹، ۳۰.

"خادمان خدا، با چهره‌هایی که از تقدیس الهی نور گرفته و می‌درخشند، شتابان از جایی به جایی خواهند رفت تا پیام آسمانی را اعلام کنند. با هزاران صدا، در سراسر زمین، این هشدار داده خواهد شد. معجزات به وقوع خواهد پیوست، بیماران شفا خواهند یافت، و آیات و عجایب، ایمانداران را همراهی خواهند کرد. شیطان نیز عمل می‌کند و با عجایب دروغین، حتی در برابر

دیدگان مردم، آتشی از آسمان فرو می‌آورد. مکاشفه ۱۳:۱۳. بدین‌سان ساکنان زمین بر آن داشته خواهند شد که موضع خود را بگیرند. "مناقشه بزرگ، ۶۱۱، ۶۱۲.

هنگامی که به زمانی برسیم که شیطان آتش را از آسمان فرود می‌آورد، "ساکنان زمین بر آن داشته خواهند شد تا موضع خود را مشخص کنند." در آن زمان، شاهد خدا "شتابان از جایی به جایی خواهد رفت تا پیام آسمان را اعلام کند. با هزاران صدا، در سراسر زمین، هشدار داده خواهد شد." کاری که شاهدان خدا به انجام می‌رسانند "شبهه کار روز پنتیکاست خواهد بود،" هنگامی که "فرشته‌ای که به اعلام پیام فرشته‌ی سوم می‌پیوندد، قرار است تمام زمین را با جلال خود روشن سازد." در روز پنتیکاست، آتش نماد افاضه‌ی روح‌القدس بود، و آتش همچنین نماد افاضه‌ی روح ناپاک شیطان است.

پس از آنکه یوحنا در باب هفتم مکاشفه، صد و چهل و چهار هزار نفر و جمعیت عظیم را معرفی می‌کند، او گشوده شدن مهر هفتم و نهایی را مشخص می‌کند. مهر نهایی یا هفتم نمایانگر گشوده شدن مکاشفه عیسی مسیح است، یعنی همان تنها نبوت در کتاب مکاشفه که می‌بایست درست پیش از بسته شدن دوره آزمایش گشوده شود. مهر هفتم، هفت رعد و مکاشفه عیسی مسیح همگی نمادهای یک حقیقت واحدند که درست پیش از بسته شدن دوره آزمایش گشوده می‌شود. مکاشفه عیسی مسیح بر شخصیت و قدرت آفرینندگی مسیح به‌عنوان آلفا و امگا تأکید می‌کند. هفت رعد دوره‌ای از تاریخ را مشخص می‌کنند که در آن صد و چهل و چهار هزار نفر مهر می‌شوند، و مهر هفتم به ریزش روح‌القدس در دوره‌ای اشاره دارد که در آن دو شاهد برخیزانده می‌شوند و قدرت آفریننده «حقیقت» خدا را دریافت می‌کنند؛ حقیقتی که از پدر، به پسر، به جبرئیل، به نبی و سپس به کسانی منتقل می‌شود که برگزیده‌اند آن را بخوانند، بشنوند و قدرت نهفته در آن را نگاه دارند.

و هنگامی که مهر هفتم را گشود، در آسمان قریب به نیم ساعت سکوت پدید آمد. و آن هفت فرشته را که در حضور خدا ایستاده بودند دیدم؛ و به ایشان هفت کرنا داده شد. و فرشته‌ای دیگر آمد و بر قربانگاه ایستاد، در حالی که مجمره‌ای زرین داشت؛ و بخور بسیار به او داده شد تا آن را با دعا‌های جمیع مقدسان بر قربانگاه زرینی که پیش تخت بود تقدیم کند. و دود بخور، همراه با دعا‌های مقدسان، از دست فرشته به حضور خدا بالا رفت. و فرشته مجمره را گرفت و آن را از آتش قربانگاه پر کرد و بر زمین افکند؛ و صداها و رعداها و برق‌ها و زلزله‌ای عظیم پدید آمد. مکاشفه ۱: ۵-۸.

در آن آیات، «هفت فرشته» با «هفت شیپور»، «در برابر خدا ایستادند». به‌طور سنتی به‌درستی چنین فهمیده شده است که آن هفت فرشته شیپورزن، داورهای خدا بر ضد روم را به سبب تحمیل عبادت روز یکشنبه نمایندگی می‌کنند. روم بت‌پرست، در دوران کنستانتین، نخستین قانون یکشنبه را در سال ۳۲۱ به تصویب رساند و تا سال ۳۳۰ امپراتوری او به شرق و غرب تقسیم شد. از آن زمان به بعد، چهار شیپور نخست به صدا درآمدند و نمایانگر نیروهای تاریخی بودند که بر ضد امپراتوری او برانگیخته شدند و تا سال ۴۷۶، شهر رم را در وضعیتی گذاشتند که دیگر هرگز رومی دیگری بر آن شهر حکومت نکرد؛ شهری که نماد قدرت و شکوه روم بود. وقتی پاپیت در شورای اورلئان در سال ۵۳۸ قانون یکشنبه را به تصویب رساند، محمد برانگیخته شد تا داورى را بر کلیسای روم بیاورد؛ چنان‌که شیپورهای پنجم و ششم نشان می‌دهند، که همچنین «ویل» نخست و دوم بودند و نمایانگر اسلام بودند. هرچند برداشت سنتی از آن شیپورها درست است، در همان بخشی که در مکاشفه باب نهم عرضه می‌شوند، به‌عنوان «بلا‌یا» نامیده شده‌اند.

و باقی مردم که از این بلاها کشته نشده بودند، از اعمال دست‌های خود توبه نکردند تا از پرستش شیاطین و بت‌های طلا و نقره و مفرغ و سنگ و چوب دست بکشند؛ بت‌هایی که نه می‌بینند، نه می‌شنوند و نه راه می‌روند. و نه از قتل‌های خود، و نه از جادوگری‌های خود، و نه از زنا‌های خود، و نه از دزدی‌های خود توبه نکردند. مکاشفه ۹:۲۰، ۲۱.

تحقق کامل و نهایی هفت شیپور، هفت بلای آخر باب شانزدهم مکاشفه است. حتی مروری گذرا بر ویژگی‌های نبوی هفت شیپور باب نهم مکاشفه نشان می‌دهد که آنها ویژگی‌هایی مشابه با هفت بلای آخر دارند. گشایش مهر هفتم در تاریخ زمانی رخ می‌دهد که دوران مهلت رو به پایان است و غضب خدا، چنان‌که به وسیله هفت بلای آخر نمایانده شده است، در آستانه ریخته شدن قرار دارد.

هنگامی که مسیح، به عنوان شیر قبیله یهودا، «مهر هفتم را گشود»، فرشته‌ای آمد و نزد مذبح ایستاد؛ مجمره‌ای زرین در دست داشت، و به او بخور بسیار داده شد تا آن را با دعا‌های همه مقدسان بر مذبح زرینی که در برابر تخت بود تقدیم کند. و دود آن بخور، که همراه دعا‌های مقدسان بود، از دست فرشته به حضور خدا بالا رفت. پیش از ریزش روح القدس در روز پنتیکاست، ایماندارانی که در اورشلیم گرد آمده بودند یکدل دعا کردند.

"احیای خداپرستی راستین در میان ما بزرگ‌ترین و فوری‌ترین همه نیازهای ماست. جستن این باید نخستین کار ما باشد. باید تلاشی جدی برای به دست آوردن برکت خداوند صورت گیرد، نه از آن رو که خدا مایل نیست برکت خود را بر ما ببخشد، بلکه از آن رو که ما برای دریافت آن آماده نیستیم. پدر آسمانی ما بیش از آن که پدر و مادران زمینی بخواهند به فرزندان خود عطایای نیکو بدهند، مایل است روح القدس خود را به آنان که از او می‌خواهند عطا کند. اما کار ما این است که با اعتراف، فروتنی، توبه و دعای جدی، شرایطی را که خدا بر اساس آن وعده داده برکت خود را به ما عطا کند، به جا آوریم. احیا را تنها باید در پاسخ به دعا انتظار داشت." پیام‌های برگزیده، جلد ۱، ۱۲۱.

گشایش مهر هفتم نشان‌دهنده مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر است. این مهر شدن با دعا آغاز می‌شود، اما نه صرفاً با عمل دعا، بلکه با دعایی خاص. این دعای خاص در کتاب دانیال مشخص شده است که البته کتاب مکاشفه نیز هست.

یوحنا در مکاشفه و دانیال در کتاب خود، نماینده صد و چهل و چهار هزار نفر در «روزهای آخر» هستند. در «روزهای آخر»، کسانی که بناست در جریان نبرد آسمان اول شاهدان خدا باشند، به نبوتی شهادت خواهند داد که درست پیش از بسته شدن مهلت، مهرش گشوده می‌شود. این امر در آیاتی که اکنون بررسی می‌کنیم به صورت مهر هفتم نمایانده شده است. دعا‌هایی که نزد فرشته با «بخورسوز زرین» می‌آیند، با دعای دانیال در فصل نهم کتاب او بازنمایی شده‌اند. آن دعا دعایی مشخص است که موسی آن را در پیوند با نبوت «هفت زمان» ترسیم کرده بود. این دعا دو جنبه دارد، و دانیال زمینه دعا دوگانه خود را در چارچوب «لعنت» و «سوگند» موسی قرار می‌دهد. کتاب‌های دانیال و مکاشفه در اصل یک کتاب‌اند، و همان خطوط نبوت که در کتاب دانیال است، در کتاب مکاشفه نیز پی گرفته شده‌اند.

دعایی که باعث ریزش آتش مقدس در حرکت فرشته نیرومند مکاشفه باب هجده می‌شود، دعای «هفت زمان» دانیال است. این همان دعایی است که فرشته جبرئیل را از آسمان فرود آورد تا نبوت‌ها را برای دانیال توضیح دهد. در پایان دعایش که بیست آیه نخست باب نهم دانیال را دربر می‌گیرد، جبرئیل تقریباً در زمان قربانی شامگاهی فرود آمد. دعا‌هایی که بالا می‌روند و آن فرشته یا مجمره زرین آنها را دریافت می‌کند، دعا‌هایی‌اند که هنگام غروب خورشید، در شامگاه «روزهای آخر»، عروج می‌کنند.

و هنگامی که سخن می‌گفتم و دعا می‌کردم و گناه خود و گناه قوم، اسرائیل، را اعتراف می‌نمودم و برای کوه مقدس خدایم تضرع خود را در حضور خداوند، خدایم، عرضه می‌کردم؛ آری، در حالی که در دعا سخن می‌گفتم، همان مرد، جبرئیل، که در آغاز در رؤیا دیده بودم، با شتاب پروازکنان، حوالی وقت قربانی شامگاهی مرا لمس کرد. دانیال ۹:۲۰، ۲۱.

دعای دانیال اعترافی بود نه تنها به گناهان خودش، بلکه به گناهان قوم خدا نیز. دعای او الگوی دعای توبه‌ای است که با «هفت بار» فصل بیست‌وشش لایوان پیوند دارد.

و آنان از شما که باقی بمانند، در سرزمین‌های دشمنان‌تان به سبب گناه خود تحلیل خواهند رفت؛ و نیز به سبب گناهان پدران‌شان همراه آنان تحلیل خواهند رفت. اگر به گناه خود و گناه پدران‌شان اعتراف کنند، همراه با تعدی‌ای که نسبت به من روا داشتند و نیز اینکه بر خلاف من رفتار کردند؛ و نیز اعتراف کنند که من نیز بر خلاف آنان رفتار کرده و ایشان را به سرزمین دشمنان‌شان آورده‌ام؛ در آن صورت اگر دل‌های نامختونشان فروتن شود و کیفر گناه خود را بپذیرند، آنگاه عهد خود را با یعقوب به یاد خواهم آورد، و نیز عهد خود را با اسحاق، و همچنین عهد خود را با ابراهیم به یاد خواهم آورد؛ و آن سرزمین را به یاد خواهم آورد. لایوان ۳۹:۲۶-۴۲.

پس از آنکه موسی مجازات مربوط به «هفت برابر» را—که آن را «مخاصمه عهد خدا» می‌نامد—بیان می‌کند، او مشخص می‌سازد که قوم خدا اگر و هنگامی که آگاه شوند که در سرزمین دشمن برده‌اند، چنان‌که دانیال بود، چه باید بکنند. آنان، همان‌گونه که دانیال به نمایندگی انجام داد، می‌بایست به گناهان خود و نیز به گناهان پدران‌شان اعتراف کنند.

وقتی این دعای خاص از سوی کسانی که برای بودن در شمار یکصد و چهل و چهار هزار فراخوانده شده‌اند به‌جا آورده شود، فرشته‌ای با مجمره زرین مجمره را خواهد گرفت و «آن را از آتش مذبح پر کرده، آن را بر زمین افکند؛ و صداها و رعد‌ها و برق‌ها و زلزله‌ای پدید آمد.» آتش مقدسی که پیام «حقیقت» را نمایندگی می‌کند، در تقابل با پیام جعلی «آتش» که ایالات متحده و شیطان از آسمان فرومی‌آورند، در هنگام «زلزله» که همان قانون یکشنبه است رخ می‌دهد.

در کتاب زکریا به ما اطلاع داده می‌شود که زربابل، در تاریخ بازسازی هیکل و اورشلیم پس از بازگشت از اسارتی که دانیال نیز در آن بود، هم بنیان آن را گذاشت و هم سنگ خاتمه‌اش را نهاد.

آنگاه او پاسخ داد و به من گفت: «این است کلام خداوند به زربابل: نه به زور و نه به قدرت، بلکه به روح من، می‌گوید خداوند لشکرها. تو کیستی، ای کوه عظیم؟ در برابر زربابل به دشت میدل خواهی شد؛ و او سنگ سر بنا را با هلهله‌ها بیرون خواهد آورد، فریادکنان: فیض، فیض بر آن!» و نیز کلام خداوند به من رسید که: «دست‌های زربابل پی این خانه را نهاده‌اند؛ دست‌های او نیز آن را به انجام خواهند رسانید، و تو خواهی دانست که خداوند لشکرها مرا نزد شما فرستاده است. زیرا کیست که روز چیزهای کوچک را خوار شمرده است؟ زیرا ایشان شادمان خواهند شد و شاقول را در دست زربابل با آن هفت خواهند دید؛ آنان چشمان خداوندند که در تمام زمین در گردش‌اند.» زکریا ۴:۱۰-۱۰.

زربابل به معنای «زاده بابل» است و نماد پیام فرشته دوم است؛ پیامی که وقتی با پیام «فریاد نیم‌شب» ترکیب شد، «سنگ بنا» را در جنبش آغازین ادونتیسیم گذاشت. زربابل همچنین نمایانگر تکرار پیام فرشته دوم در جنبش پایانی ادونتیسیم، در جنبش «فیوچر فور آمریکا»، است، زمانی که «سنگ سر» نهاده می‌شود.

جهان به خاطر دو شاهی که در دره استخوان‌های مرده، در خیابانی که همان «بزرگراه اطلاعات» است، کشته شده بودند، شادی کرد. وقتی آن دو شاهد دوباره به زندگی بازگردانده شدند، جهان ترسید و آسمان‌ها شادمان شدند. زکریا، مانند همه پیامبران، «روزهای آخر» را مشخص می‌کند؛ زمانی که قوم خدا شادمان می‌شوند. زکریا به ما خبر می‌دهد که آنان در رستاخیز دو شاهد، وقتی «آن هفت» را می‌بینند، شادی می‌کنند. «آن هفت» همان واژه عبری است که در لایوان بیست‌وشش به «هفت بار» ترجمه شده است. جنبش فرشته نخست سنگ بنیان «هفت بار» موسی را نهاد، و آن «حقیقت» همچنین قرار است سنگ سر جنبش فرشته سوم باشد، با وجود رد آن در سال 1863.

وقتی که شناخته شود و تحقق یابد و با دعای دوگانه مناسب به آن عمل شود، آتش حقیقی بر زمین افکنده خواهد شد، همان‌گونه که در روز پنتیکاست شد.

ما در مقاله بعدی به بررسی باز شدن مهر هفتم ادامه خواهیم داد.